واکاوی

وضعیت اسفبار سی‌وسه‌پل

سی‌وسه‌پل در دهه چهل مثل امروز نبود. خشکه‌چینی‌های اطراف زاینده‌رود کامل نشده و رودخانه و اطراف آن، بر اساس عکس‌های باقی‌مانده یک بیشه بود. حتی وسط رودخانه هم پر از نیزار بود. به همین خاطر تقریبا سی‌وسه‌پل پرت و بی‌پناه افتاده بود؛ به‌حدی که غرفه‌های آن به‌صورت مستراح عمومی درآمده بود. از روی آن اتوبوس‌های خط واحد می‌گذشت و مردم و عابران هم روی در و دیوار آن یادگاری می‌نوشتند. اعلان‌های تجاری هم در آن سال‌ها بر دیوارها چسبانده می‌شد. این مطلبی که نوروز جمشاد در سلسله یادداشت‌های خود با عنوان «درددل آثار و ابنیه تاریخی اصفهان» در سال ۱۳۴۴ در روزنامه اصفهان منتشر می‌کرد، این حقایق را بازگو می‌کند: «از خیابان اردیبهشت وارد خیابان پهلوی شدم و خیال داشتم پیاده طول این خیابان را طی کنم و به سی‌وسه‌پل برسم. هنوز چند قدمی برنداشته بودم که خیابان پهلوی گفت: تا به پل‌الله‌وردی‌خان برسی خیلی راه است. اجازه بده تا برایت حرف بزنم تا به قول عوام دلت سر نرود. گفتم مثلا چه می‌خواهی بگویی؟ گفت اگر راست و درست را بخواهی تنها خیابانی که می‌تواند محل گردش و تفریح مردم باشد، من هستم. ولی متاسفانه شهرداری آن‌طور که باید و شاید به درد دل من نمی‌رسد. گفتم: ماشاءالله خیلی مرتب و پاکیزه و آبرومند هستی و دیگر نقص و کمبودی نباید داشته باشی. گفت: تو سراسر این خیابان را نگاه کن! ببین یک صندوق زباله شهرداری گذاشته است یا نه؟ گفتم: خب این امر به تو چه مربوط است؟ جواب داد: پس لطفا دو قدم جلوتر بردار و از لب بلوار و نرده‌هایی که لب رودخانه کشیده‌اند دیدن کن. پیش رفتم و به پشت نرده‌ها نگاه کردم، دیدم خدا بدهد برکت! تا چشم کار می‌کند گند و کثافت و آشغال در کنار رودخانه چسبیده، به خیابان ریخته‌اند. خیابان پهلوی (مطهری فعلی) خنده مسخره‌آمیزی کرد و گفت: تمام این افراد خانه‌هایی که در جنوب این خیابان زندگی می‌کنند به واسطه نبودن صندوق و محل مخصوص زباله، آشغال‌های خود را در کنار رودخانه می‌ریزند و چنین منظره فجیع و ناهنجاری را به وجود آورده، برای شهر ایجاد میکروب و ناخوشی می‌کنند.

کم‌کم به اواسط خیابان پهلوی رسیده بودم که خیابان گفت: اینجا را نگاه کن! دیدم بیشه‌ای از درخت بید احداث کرده‌اند. درختان یکی دوساله آن تمام نما و چشم‌انداز رودخانه را گرفته است. گفتم: تا آنجا که من به یاد دارم، مرحوم مستوفی، خدا بیامرز که تاج افتخار نیکنامی شهرداری اصفهان همیشه بر سرش می‌درخشد، با زحمات طاقت‌فرسا و شبانه‌روزی خود هرچه بیشه و درخت در دو طرف پل‌ها و در کنار خیابان‌های پهلوی و کمال اسماعیل بود، از بین برد، پس دیگر این قوز بالا قوز چیست که در اینجا به وجود آمده است؟

خیابان پهلوی با تعجب سری تکان داد و با چشم و ابروی خود علامت مسخره‌ای از خود نشان داد و گفت: والا این جوابی است که باید اولیای امور به آن بدهند و اگر جوابی ندارند به چند نفر رفتگر دستور بدهند تا فورا آنها را از ریشه درآورند و نمای خیابان را به همان صورت اول زیبا و فرح‌بخش سازند. گفتم: کم‌کم به سر پل رسیدیم اگر اجازه بدهی خداحافظی کنم. گفت: می‌ترسم دوباره به این زودی‌ها دستم به دامنت نرسد. از این رو چند پیغام دارم که خواهشمندم آنها را به سمع اهالی شهر برسانی.

گفتم: بگو! گفت: از قول من به آنها بگو این نرده‌هایی که در کنار جوی‌های چهارباغ کشیده‌اند، بهتر بود کنار جوی‌های من می‌کشیدند و در اطراف جوی‌هایم چمن می‌کاشتند. گفتم: این حرف‌ها کدام است می‌زنی؟ می‌دانی این کار چه مبلغ خرج دارد؟ جواب داد: پس شما هم خدا را می‌خواهید و هم خرما را. هر کس منظره زیبا و گردشگاه‌های مصفا لازم دارد، باید دستش را در جیب مبارکش ببرد و پول خرج کند. وانگهی اشخاصی که در این خیابان خانه دارند می‌توانند جلوی در خانه خود را نرده‌کشی کنند و چمن بکارند. چنانچه دو سه نفر از آنها هم این کار را کرده‌اند و فقط شهرداری باید قسمت شمال مرا تزیین کند. گفتم: با بعضی از این مردم بی‌بند و بار و لاقیدی که در شهر ما به‌سر می‌برند، آیا چمن‌کاری کنار جوی‌های تو به ثمر می‌رسد؟ جواب داد: اگر بنا باشد شهرداری به خاطر بی‌بند و باری پاره‌ای از مردم دست به اصلاحات نزند و به بهانه اینکه مردم خرابکاری می‌کنند، هیچ کار مثبتی انجام ندهد، پس باید فاتحه همه کارها و اصلاحات خوب و مفید را هم خواند. گفتم: خب دیگر چه می‌خواهی؟

گفت: در زمان استانداری سرتیپ فرزانگان آمدند و برای اطفال پارک بسیار کوچک و مسخره‌ای در کنار من ایجاد کردند و چند اسباب‌بازی ناچیز هم در آن نصب کردند و بااین‌حال مردم هم به‌خوبی از آن استقبال کردند؛ ولی همین که اسباب‌بازی‌ها از بین رفت، خود به خود پارک بچه‌ها هم سر زا رفت و دیگر از آن خبری نیست و معلوم نیست چرا و به چه جهت نمی‌آیند و این چند مغازه خراب و شکسته و سرهم‌بندی‌شده نزدیک پل فلزی را خراب کنند تا هم این قسمت مرا از ابتذال و نکبت نجات بدهند و هم از زمین‌های حاصل آن برای یک پارک زیبا و مجلل برای کودکان شهر استفاده کنند. گفتم: این‌طور که معلوم می‌شود تازه چانه بزرگوار تو گرم شده است و می‌خواهی باز هم پر حرفی کنی. گفت: نه دیگر عرضی ندارم، ولی این نکته را هم یادآور شوم که هرچه گفتم به صلاح و مصلحت خود شما بوده است نه برای زیبا و قشنگ‌شدن خودم.

وقتی به سر پل رسیدم که آفتاب داشت غروب می‌کرد و اشعه طلایی و انوار زرد رنگ خود را به روی عمارت و بناهای بلند شهر می‌پاشید. از بعضی از دهانه‌های پل، آب‌های زلال و مواج زاینده‌رود می‌لغزید و جلو می‌رفت و از روی پله‌ای که آن طرف پل بود پایین می‌ریخت و صدای دل‌انگیز و روح‌پرور ایجاد می‌کرد چند لک‌لک سپیدپوشِ دراز پا در میان سبزه‌هایی که صورت سرمای طبیعت آنها را به زاری و نزاری کشیده بود، در آن دور دست‌ها در تلاش معاش بودند. محو تماشای این منظره بسیار بدیع و زیبایی که در دل شهر و در میان مردم شهر به چشم می‌خورد شده بودم که ناگهان پل‌الله‌وردی‌خان با صدای بلند گفت: دوباره که وارد ادبیات شدی و طبیعیات را بر واقعیات زندگی ترجیح دادی! جلوتر بیا و به این دوستون بزرگ من نگاه کن و ببین چطور پر از وصله‌پینه است. گفتم: مقصودت از وصله‌پینه چیست؟

گفت: هر کس تا آنجا که توانسته است روی من اعلان چسبانده است. یکی برای روغنش تبلیغ کرده، آن دیگری برای فیلم سینمایی‌اش، این یکی برای فاتحه پدرش و آن یکی برای فلان درد بی‌درمانش. دیدم راست می‌گوید. ورقه‌های رنگارنگ اعلان‌های تجار و مردم، بدنه ستون‌ها را به صورت بسیار زشتی در آورده است. پل آهی کشید و گفت: در هر نقطه از دنیا اگر کوچک‌ترین اثر از آثار تاریخی داشته باشند، دور آن را نرده و حصار می‌کشند و برای حفظ و نگهداری آن به قدری کوشش می‌شود که حتی مردم را نمی‌گذارند از نزدیک آن عبور کنند. می‌گویند در شهر رم پایتخت ایتالیا، پایه یکی از ستون‌های کاخ‌های قدیمی در وسط یکی از خیابان‌ها باقی مانده و دولت طوری آن را خط‌کشی کرده است که وسایط نقلیه به آن نزدیک نمی‌شوند، مبادا به وجود مقدسش آسیب و ضرری وارد شود. اما در کشور ما و مخصوصا در این شهر خودمان اصفهان، مثل اینکه مردم با آثار تاریخی خود لج داشته و دشمنی دارند. گفتم: استغفرالله این حرف‌ها چیست که می‌زنی؟ تو و امثال تو نور چشم هر ایرانی هستید و ما به وجود شما افتخار می‌کنیم؛ چون واقعا تاریخ زنده ما هستید. قاه‌قاه شروع کرد به خندیدن و گفت: دست از چاخان بردار و حماسه‌سرایی نکن و این قدر بی‌خود و بی‌جهت برای من رجز نخوان! چون دم خروس از جیبت پیداست!

نوروز جمشاد، روزنامه اصفهان، شماره ۱۳۴۰، ۸ دی ۱۳۴۴

جایگاه تجارت برنج شمال ایران در مناسبات تجاری با روسیه

از قاچاق تا ممنوعیت صادرات

گمرک انزلی در دوره قاجار

در زمان‌های متمادی محصول عمده مازندران برنج و محصول مهم گیلان ابریشم بود. تا سال ۱۸۶۴م ابریشم مهم‌ترین کالای صادراتی بود؛ اما به‌دلیل نوعی بیماری در کرم‌های ابریشم، تولید ابریشم تا سال ۱۸۹۹م به یک‌پنجم کاهش یافت. همین امر باعث شد کشت برنج، تنباکو و چای در گیلان رونق یافت و تولید برنج گوی سبقت را از مازندران ربود و گیلان به‌عنوان مهم‌ترین تولیدکننده برنج درآمد و این محصول خیلی زود به مهم‌ترین محصول صادراتی به روسیه تبدیل شد و محصول برنج گیلان نسبت به قبل طی مدت زمان کم به سه برابر رسید؛ عیسوی به نقل از ابوت، کنسول بریتانیا در تهران و تبریز بیان می‌کند که در سال ۱۸۶۵م محصول سالانه برنج حدود ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ من، یعنی حدود ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ پوند بود که در سال ۱۸۷۲م حدود ۳۰,۰۰۰,۰۰۰ من (۳۹۲,۵۰۰,۰۰۰ پوند) می‌شود؛ مجموع این آمار نشان می‌دهد به‌دلیل رشد کشت برنج، امکان صادر کردن این محصول فراهم شد و بعد از رونق صادرات برنج، تقریبا کل صادرات برنج ایران به روسیه بود و فقط قسمت خیلی کمی از آن به عثمانی و انگلستان صادر می‌شد.

این در حالی است که گیلان تا قبل از این وقایع به‌دلیل کشت ابریشم، برنج را از شهرهای دیگر وارد می‌کرد و حتی به اندازه جمعیت خود برنج نداشت و بنا به گزارش فرانسیس مکنزی که در سال ۱۸۵۸م/ ۱۲۷۴ق به مناطق شمال ایران سفر کرده بود، زمین‌های آنها پر بود از درخت‌های توت و برای به عمل آوردن برنج باید این درخت‌ها را قطع می‌کردند تا بتوانند برنج بکارند. او بیان می‌کند که در این زمان صدور برنج به گیلان از سوی دولت منع شده بود و همین باعث قحطی در این ولایت شده بود و دلیل آن قانون منع صدور برنج به روسیه از طرف دولت بود.

باید توجه داشت در مواردی به‌دلیل کمبود برنج در ایران، صادرات به روسیه منع می‌شد چنان که در سال ۱۳۳۰ق دولت تجار را از صدور برنج به روسیه، به واسطه کمبود برنج و در سختی افتادن مردم منع کرد و به آنها فرصت دادند تا برنج‌های خریداری‌شده خود را تا ۲۵ ربیع‌الاول به روسیه حمل کنند و بعد از آن اجازه خروج برنج ایران داده نمی‌شد و حمل برنج به خارج به کلی ممنوع شد.

البته این تصمیم دولت باعث خسارت به تجار روس شد و در نتیجه موجبات اعتراض آنها را فراهم آورد. همین باعث فرستادن تلگرافی از استرآباد به وزارت داخله شد که در آن اعتراض تجار روس را منعکس می‌کرد. در تمام مناطق جنوبی دریای خزر، به‌دلیل حاصلخیزی خاک، برنج از پربازده‌ترین محصولات به‌شمار می‌رفت. به‌طوری که زمین‌های آنها ۳۰ تا ۸۰ برابر بازده داشت. اما به‌دلیل استفاده از روش‌های قدیمی پوست کندن سبوس برنج که با لگد کردن توسط اسب جدا می‌شد، بیشتر از یک‌سوم آن تلف می‌شد. بنابراین برآورد معمول به‌طور عموم بسیار کمتر از متوسط نرخ بازدهی محصول بود؛ برنج‌کاری در ایران در این زمان از روی قوانین و اصول هزار سال پیش بود و محتاج به اصلاحات اساسی بود که جمال‌زاده برخی از این اصلاحات را عنوان می‌کند از جمله آبیاری مناسب و مسطح کردن زمین برای هدر نرفتن آب، پرورش اراضی با استفاده از کود و به‌کار بردن ماشین‌های ساخت غرب در آسیاب کردن برنج. شاید اگر این اصلاحات به‌صورت اساسی انجام می‌گرفت، مقدار بازدهی این محصول خیلی بیشتر می‌شد. در مدت این دوره، بر اساس شواهد و اسناد موجود، هیچ نوع ابتکار و تحولی در کشت برنج به‌وجود نیامد. همچنین در ترتیب مالکیت زمین هم که مناصفه بود و مزد دهقان نیمی از محصول بود، تغییری به‌وجود نیامد.

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، تجارت ایران با این کشور با رکود قابل توجهی مواجه شد. تجار برنج نمی‌توانستند بازاری در روسیه پیدا کنند و از طرف دیگر، به‌دلیل دوری راه نمی‌توانستند در بازارهای هندوستان، مقدونیه و جمهوری‌های قفقاز جای خود را باز کنند. همچنین به‌دلیل ناامنی موجود در ترکیه نمی‌توانستند از طریق داردانل به بازارهای اروپا دست یابند. بنابراین صادرات برنج ایران، با توجه به جنبه‌های گوناگون تجارت این محصول، تنها به روسیه اقتصادی و به صرفه و امکان‌پذیر بود. همچنین با شروع جنگ جهانی، ایران نیز توانایی صادرات این محصول را به روسیه نداشت. چنان که در اوایل جنگ جهانی اول به‌دلیل کمبود مواد غذایی و از جمله برنج، هشداری از سوی کنسول ایران در بادکوبه، مبنی بر صادرات بی‌رویه برنج به روسیه داده شد. آنها خواستار تصمیمی اصولی از سوی وزارتخانه‌های مالیه و فواید عامه و تجارت به‌دلیل احتمال بروز کمیابی برنج در کشور شدند.

■ اهمیت تجارت برنج بین ایران و روسیه

چنانچه گفته شد، برنج از اقلام مهم تجاری میان ایران و روسیه بود. روسیه از برنج، به‌دلیل نوع رژیم غذایی، کمتر از مواد غذایی دیگر استفاده می‌کرد؛ اما همواره در تلاش برای واردات این محصول به کشورش بود که شاید یکی از دلایل اصلی این تقاضا مبادلات کالا مابین طرفین بود؛ چون روسیه از ایران برنج می‌خرید و در عوض آن، کالاهای دیگر خود مثل قند و چای را به فروش می‌رساند و نوعی مبادله کالا به کالا بود. چنان که در سال ۱۳۲۷ق، وقتی عوارض گمرکی برنج هند پس از تلاش‌های انگلیس کاهش پیدا کرد موجب اعتراض تجار روسیه شد و تجار روسیه به خاطر اینکه به تجارت برنج ایران خللی وارد کنند و بتوانند مال‌التجاره خود را در عوض برنج به ایران حمل کنند، مانع این کار شدند. بنابراین چنان که مشخص است هرقدر دولت روسیه بخواهد از گمرک برنج هند بکاهد، در مقابل تجارت روسیه ضرر خواهد دید؛ زیرا هزینه گمرکی کم، باعث ورود برنج هندوستان به روسیه می‌شد و تجار هند در مقابل برنج فروخته‌شده پول و طلا به کشور خود می‌بردند؛ ولی تجار ایرانی پول نمد خود را همراه برنج به روسیه می‌آوردند و کالا با خود به ایران می‌بردند. مجموع این عوامل باعث می‌شد که روسیه خواستار تجارت با ایران باشد تا از این طریق پول و طلا به کشور خود وارد کند نه اینکه پول از کشور خارج کند.

از سوی دیگر با شنیدن خبر تخفیف دولت روسیه به برنج هندوستان، تجار ایران مقیم بادکوبه نیز به مخالفت برخاسته و خواستار پیگیری موضوع توسط دولت و وزیر تجارت ایران شدند. آنها اعلام کردند اگر در گمرک برنج هندوستان تخفیف داده شود، اولا قیمت برنج ایران و مقدار ارسالی آن نصف می‌شود، ثانیا این مساله ضرر بسیار زیادی به تجارت ایران و روسیه خواهد زد. بنابراین تجار از دولت درخواست کردند این مساله را مهم بداند و برای رفع این ضرر، سریع‌تر مذاکره کند؛ زیرا چنانچه ورود برنج هندوستان به روسیه ادامه پیدا می‌کرد در سال شش یا هفت کرور ضرر به تجارت برنج ایران وارد می‌آمد، همین باعث شد که محمد علی علاءالسلطنه، وزیر امور خارجه تلگرافی در تاریخ ۹ ذی‌الحجه به سفارت ایران در پطرزبورگ فرستاد و دستور تحقیق درباره دفاتر قرارداد تجارتی روسیه با هندوستان را داد. همچنین خواستار توضیح درباره کاهش نرخ گمرک محصولات وارده از هند شد و اینکه از خسارت وارد‌شده به برنج های ایرانی ممانعت به عمل بیاید. بعد از گذشت دو هفته، یعنی در تاریخ ۲۱ ذی‌الحجه، علاءالسلطنه به کارگزاری خارجه رشت اطلاع می‌دهد که در خصوص گمرک برنج در روسیه، طبق تلگرافی از سفارت روسیه به وزارت خارجه، تغییری در وضع برنج داده نشده است و بعد از این هم تغییری ایجاد نخواهد شد.

> ■ صادرات برنج ایران به روسیه اهمیت زیادی داشت؛ به‌طوری که وزیر مختار روس اظهار کرد که «برنج ایران برای روسیه در حکم نفت و قند روسیه برای ایران است. به همان اندازه که نفت و قند در ایران موردنیاز است، برنج هم در روسیه همان قدر مهم و قابل ملاحظه است

در سندی دیگر می‌بینیم ساعد الملک، ژنرال کنسولگری ایران در قفقاز و تفلیس به دولت ایران پیشنهاد کرده است که طی مذاکره با روسیه بیان کند که یا برنج ایران هم مانند برنج هندوستان از گمرک معاف شود یا برنج‌های هندوستان بدون گمرک وارد روسیه نشوند؛ در غیر این صورت ضرر بزرگی متوجه تجارت ایران که تقریبا ۱۰ میلیون تومان در سال هست، می‌شود و سکته کاملی به تجارت ایران وارد خواهد آمد. همچنین بیان شد که در پی این اقدام، منطقه شمال ایران دچار فقر بزرگی می‌شود؛ زیرا ابریشم مثل سال‌های قبل اوضاع خوبی ندارد و در این زمان فقط برنج، محصول تجارتی مهم ایران است که اگر آن هم تنزل پیدا کند اقتصاد این منطقه به‌شدت متضرر خواهد شد. در بعضی مواقع تجارت برنج با مشکل روبه‌رو بود که از جمله آن می‌توان به صادرات زیاد برنج به روسیه، در نتیجه کمبود آن و همچنین بارندگی زیاد و صدماتی که به محصول وارد می‌شد، اشاره کرد. چنان که در ۱۹ مهر ۱۳۲۹، به واسطه کمبود و در نتیجه گرانی برنج که ناشی از صادرات زیاد این محصول به روسیه بود، مردم رشت و انزلی به اعتراض برخاستند. بعضی از اهالی منطقه با وجود گرانی برنج، آن را انبار کرده بودند و می‌خواستند آن را به روسیه حمل کنند که نظمیه در بعضی موارد آنها را شناسایی و دستگیر می‌کرد و شلاق می‌زد؛ زیرا به واسطه احتکارهایی که توسط خود اهالی و مهم‌تر از همه تجار می‌شد، قیمت برنج زیاد شده بود.

به دنبال اعتراض مردم مبنی بر کمبود و گرانی برنج و درخواست آنها برای ممانعت از حمل برنج به روسیه، از طرف حکومت، امام جمعه و تجار جلسه‌ای تشکیل شد که در نتیجه آن به مردم و تجار اجازه داده شد تا پنج روز دیگر برنج‌های خریداری شده خود را به روسیه منتقل کنند و پس از آن اجازه حمل آن به روسیه را غیرقانونی اعلام کردند. این ممنوعیت، مخالفت روس‌ها را برانگیخت؛ چون عده‌ای از تجار روس مقدار زیادی برنج پیش‌خرید کرده بودند که به‌دنبال این ممنوعیت‌ها از حمل برنج خریداری‌شده روس‌ها از تنکابن به رشت جلوگیری به عمل می‌آمد پس وزیر مختار روس از دولت ایران درخواست تعیین مهلت سه‌هفته‌ای برای حمل برنج های مزبور به روسیه و متعاقب آن جلوگیری از خسارات وارد‌شده به تجار روسیه شد؛ از طرف دیگر به‌دلیل توفانی بودن دریا، تجار مزبور نمی‌توانستند در این زمان محدود برنج‌های خریداری شده خود را به روسیه انتقال دهند و امکان حمل برنج‌های خریداری شده وجود نداشت. بنابراین سفارت روس خواستار تمدید مهلت مقرر شده از ۲۵ ربیع‌الاول به ۲۵ ربیع‌الثانی شد. به دنبال اعتراض روس‌ها، دولت ایران پذیرفت و یادداشتی از طرف وزارت امور خارجه، یعنی منشورالملک، مبنی بر برطرف شدن ممنوعیت حمل برنج از مازندران به روسیه و اینکه صادرات برنج از مازندران به روسیه مانعی نداشته و تجار اجازه دارند برنج‌های خریداری‌شده خود را در مهلت تعیین‌شده به روسیه انتقال دهند، به سفارت روس فرستاده شد. این در حالی است که هرچند دولت در بعضی موارد مانع از حمل برنج به روسیه می‌شد، اما همچنان پدیده قاچاق وجود داشت و شنیده می‌شد از قلعه‌هایی که نزد یک روسیه بود و از طرف کدخدایان قلاع و همچنین ماموران دولتی باج گرفته می‌شد تا مانع خروج برنج نشوند و در مواقعی همین افراد از بیراهه و بدون تذکره به راحتی محصولات خود از جمله برنج را از ایران خارج می‌کردند. از سوی دیگر ماموران روسیه هم به‌دلیل اینکه محصولات مورد نیاز آنها وارد مملکتشان می‌شد، راه را برای آنها باز می‌کردند، مطمئنا این قاچاق کالا برای هر دو طرف زیان‌آور بود. اما در بعضی مواقع به واسطه ممنوعیت حمل برنج به روسیه که باعث کمیابی این محصول می‌شد، می‌توانست کمک‌کننده باشد.

■ وضعیت برنج در میانه جنگ جهانی اول

شروع جنگ جهانی اول و بعد از آن، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و پیامدهای آن اختلالات عمیقی را بر تجارت بین روسیه و ایران وارد کرد. واضح است به دنبال جنگ جهانی قحطی بزرگی ایران را فراگرفت و حضور نیروهای روس و انگلیس باعث کمبود مواد غذایی در ایران شد. بروز قحطی در این زمان در گیلان را می‌توان به‌طور کلی ناشی از صادرات انگلیسی‌ها به باکو دانست؛ چنان که محمدقلی مجد اشاره می‌کند، کمبود غذایی زیادی به‌دلیل وارد نشدن مواد غذایی برای کارگران نفت باکو به انگلیسی‌ها رسیده بود. بنابراین دولت انگلیس تصمیم می‌گیرد که از هر جایی که امکان داشته باشد، آذوقه و محصول را خریداری و به باکو ارسال کند. در نتیجه ایران که این زمان آشکارترین منبع آذوقه باکو بود، مورد توجه آنها قرار گرفت. صادرات مواد غذایی توسط انگلیس‌ها به باکو بعد از مدتی قحطی و کمبود برنج را در گیلان به همراه آورد. به دنبال این اوضاع، در میانه جنگ جهانی اول به‌دلیل قحطی و کمبود آذوقه و در سختی افتادن مردم، حکمی از طرف هیات دولت ایران درباره عدم حمل برنج از خاک ایران به روسیه صادر شد. آنها احتمال قحطی بیشتر را می‌دادند و در نتیجه پیشنهاد خرید برنج‌های تجار روس را به قیمت عادلانه، در صورت موافقت آنها ارائه و همچنین اعلام کردند در جهت جلوگیری از خسارت‌های احتمالی وارد‌شده به تجار، تلاش لازم را انجام دهند. به دنبال کمبود ارزاق و اجناس، ممنوعیت صدور برنج و سایر غلات به روسیه اعمال شد. از طرفی کنسولگری ایران در روسیه اعلام کرد که اگر صادرات اجناس و ارزاق بین ایران و روسیه تبادلی باشد، ایرانی‌ها کمتر دچار مشکل می‌شوند.

به دنبال ممنوعیت حمل برنج به روسیه از سوی ایران، به‌دلیل کمبود آذوقه، سفارت روسیه معترض شد و اعلام کرد که تجار و اتباع روس برنج فراوانی را از ایران خریده‌اند که در زمان مناسبی بتوانند آن را به روسیه حمل کنند؛ اما دولت ایران حمل برنج به روسیه را ممنوع کرده و این موجب خسارت زیادی برای تجار شده است. روسیه از دولت ایران درخواست می‌کند که یا اجازه خروج برنج‌های خریداری‌شده را بدهند یا اینکه آنها را بخرند. البته سفیر روسیه اظهار می‌کند که این نوع برنج‌ها در ایران مصرف داخلی ندارد و خرید آنها ضرر زیادی را به تجارت ایران وارد می‌کند. بنابراین خواستار انتقال این برنج‌ها به روسیه شد. مستشارالدوله وزیر امور داخله دستور تشکیل جلسه با حضور نمایندگان و تجار مشهور در این مورد را می‌دهد و خواستار رسیدگی به این ادعای روس‌ها درباره مقدار برنج خریداری‌شده و جنس برنج‌ها و میزان مصرف داخلی می‌شود. با وجود همه این موارد، در سندی از هیات وزرا در دوم ذی‌القعده مشاهده می‌شود دستوری صادر شده که طبق پیشنهاد کمیسیون ارزاق برای جلوگیری از کمبود برنج و ارزاق و آذوقه هیچ‌نوع برنجی به روسیه صادر نشود. کمیته تفتیش ملی ایران در یادداشتی به اهالی مازندران تاکید کردند که به‌دلیل در سختی افتادن مردم، امکان اجازه انتقال برنج به روسیه وجود ندارد و تجار خاطی و محتکر توسط علما و روسای شهر مجازات خواهند شد. با این حال، بعضی تجار به درخواست‌های دولت بی‌توجهی می‌کردند و برنج را همچنان به روسیه حمل یا آن را احتکار می‌کردند.

این اقدام تجار، زمینه سرزنش و توبیخ تفتیش کمیته ملی ایران را برای آنها فراهم آورد که در طی یادداشتی تاجران را وطن‌فروش نامید؛ زیرا با وجود سختی و فقر مردم باز برنج را به روسیه انتقال می‌دادند.

بیشتر برنجی که از رشت به روسیه صادر می‌شد، در بادکوبه گمرک می‌شد و بعد به سایر مناطق روسیه می‌رفت که به‌دلیل افزایش حق گمرکی از سوی ماموران ارزاق روسیه موجبات اعتراض تجار ایرانی را فراهم آورد. به همین منظور تجار مازندران در خصوص تجاوزات مامور وزارت ارزاق روسیه نسبت به برنج های توقیفی آنها در بادکوبه از دولت شکایت کردند. به دنبال شکایات تجار، معین‌الرعایا به آنها تاکید کرد که تجار مزبور برای تهیه و ارائه صورت خرید و مخارج حمل برنج‌ها و سایر مخارج تجارتی برای احقاق حقشان در این زمینه اقدامات لازم را انجام دهند.

همچنین جلسه‌ای برای رسیدگی به این مساله از سوی دولت ایران تشکیل و از طرف اداره ارزاق روسیه نیز ماموری فرستاده شد تا به حقوق تجار در این مورد رسیدگی شود. صادرات برنج ایران به روسیه اهمیت زیادی داشت؛ به‌طوری که وزیر مختار روس اظهار کرد که «برنج ایران برای روسیه در حکم نفت و قند روسیه برای ایران است. به همان اندازه که نفت و قند در ایران موردنیاز است، برنج هم در روسیه همان قدر مهم و قابل ملاحظه است.» پس از گذشت مدتی از پایان جنگ جهانی اول و اواخر دوره قاجار و همچنین به دنبال رونق کشت برنج در ایران، از طرف هیات دولت اجازه حمل برنج به روسیه و کشورهای دیگر صادر شد.

روزنامه اتحاد گزارش می‌دهد که محصول برنج به اندازه‌ای بوده که بتوان آن را صادر کرد و ارزاق عمومی و برنج به اندازه کافی وجود دارد. بنابراین امروز در اداره حکومتی نشستی با شرکت تجار و علما برگزار شد و نتیجه آن آزادی حمل برنج به خارج بود.

بنابراین هر چند صادرات برنج به روسیه در دوره‌هایی دچار وقفه شد، اما به‌دلیل اهمیت آن در تبادلات دو کشور، ما تجارت گسترده این محصول را در طی زمان‌های متمادی مشاهده می‌کنیم.

■ نتیجه

همسایگی ایران و روسیه به‌طور طبیعی روابطی دو سویه را برای هر دو کشور رقم می‌زد و وجود دریای خزر و راه‌های خشکی متعدد تاثیر زیادی در مناسبات ایران و روسیه به‌ویژه مناسبات تجاری و اقتصادی داشت. موقعیت و شرایط ایران در زمینه محصولات کشاورزی و در اختیار داشتن محصولاتی نظیر ابریشم، پنبه، خشکبار، برنج و غیره و در مجموع مواد خام موجب شده بود کشور روسیه برای به‌دست آوردن مواد خام مورد نیاز در صنایع خود به ایران روی بیاورد. در کل می‌توان گفت مناطق حاصلخیز ولایات شمالی ایران و شرایط و امکانات آنها در زمینه کاشت محصولات کشاورزی، از زمان‌های دور و به‌ویژه از دوره قاجار، توجه کشورهای مختلف و از جمله روسیه را به این مناطق جلب کرد.

روابط اقتصادی ایران و روسیه بعد از عهدنامه ترکمنچای و ضمیمه تجاری آن، وارد مرحله جدیدی شد و تجارت از این دوره به بعد رشد و توسعه قابل توجهی را تجربه کرد. وابستگی ایران و روسیه دو طرفه بود و هر دو کشور به محصولات یکدیگر نیاز داشتند، در نتیجه نمی‌توان به‌طور قطعی نظر داد که عملکرد اقتصادی روسیه در ایران صرفا سیاسی بوده است. از جمله محصولات مهم کشاورزی ایران در دوره مورد تحقیق برنج بود که بیشتر در ایالات شمالی ایران کاشت می‌شد و بخش زیادی از آن در داخل مصرف و بخشی از آن نیز صادر می‌شد که تقریبا صادرات بیشتر برنج ایران به روسیه بود و فقط مقدار اندکی از آن را به عثمانی و انگلستان صادر می‌کردند. این محصول حدود ۱۴ درصد صادرات ایران به روسیه را شامل می‌شد که اگر اصلاحات اساسی در زمینه کشت و برداشت برنج صورت می‌گرفت، به‌طور یقین بازدهی بیشتر و در نتیجه درصد بیشتری از صادرات ایران را شامل می‌شد.

می‌توان گفت صادرات برنج به روسیه تابع شرایط زمانی مختلف بوده و با نوسانات زیادی در تجارت این محصول مواجه شده‌ایم. چنان که می‌بینیم در بیشتر مواقع، زمانی این محصول صادر می‌شد که مازاد داشته باشد؛ در غیر این صورت تجار اجازه خروج و انتقال برنج به روسیه را نداشتند؛ هرچند در کنار این محدودیت‌هایی که برای تجار به‌وجود می‌آمد، قاچاق این محصول از طریق زمینی و دریایی از ایران به روسیه دیده می‌شود. در زمان جنگ جهانی اول نیز به‌دلیل قحطی و کمبود آذوقه، صدور آن به روسیه ممنوع اعلام شد، انقلاب اکتبر روسیه نیز اقتصاد و روابط تجاری دو کشور را دچار رکود کرد که بدون شک تجارت برنج هم تحت تاثیر آن قرار گرفت؛ اما با همه این نوسانات، برنج یکی از اقلام مهم کشاورزی ایران بوده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محصولات تجارتی ایران و روسیه مطرح بوده که سال‌ها تجارت آن به روسیه تداوم داشته است.

بخشی از مقاله‌ای به قلم
باقر علی عادل‌فرصحیح، علیه جوانمردی
دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی(ره)، قزوین - ایران،
دانشجوی دکترای تاریخ،
دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی(ره)، قزوین - ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی
شرکت گز سکه (سهامی عام)
ثبت شده به شماره ۵۳۰۱ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۶۴۴۶۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران حقیقی و سهامداران حقوقی یا نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۸ در آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله کاووسیه، بزرگراه کردستان، خیابان ونک، پلاک -۵۲، ساختمان مرکز خرید ونک، طبقه اول، واحد ۱۰۵ کد پستی ۱۹۹۱۹۵۴۶۴۹ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند. ضمناً با توجه به ابلاغیه های ستاد مبارزه با کرونا و سازمان بورس و اوراق بهادار به استحضار می‌رساند مشاهده مجمع از طریق پیج http://www.instagram.com/sekehgaz به صورت آنلاین امکان پذیر است.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی: انتخاب اعضای هیأت مدیره

دعوت کننده: هیأت مدیره شرکت گز سکه

(در صورت حضور وکیل سهامدار در جلسه ارائه کپی برابر اصل وکالت نامه رسمی الزامی است)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای
شرکت شیر پاستوریزه پگاه اصفهان

ردیف	شرح مناقصه	شماره مناقصه	مهلت دریافت و تحویل اسناد مناقصه	زمان بازگشایی پاکت الف و ب	زمان بازگشایی پاکت ج
۱	مناقصه عمومی دو مرحله ای انتخاب پیمانکار حمل و نقل و ترانزیت برون شهری و درون شهری	۰۳ - ۱۴۰۱	۱۴۰۱/۰۱/۱۷ لغایت ۱۴۰۱/۰۱/۳۰	۱۴۰۱/۰۱/۳۱	اعلام می گردد

متقاضیان می توانند جهت ارسال نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه و دریافت اسناد مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ذیل تماس حاصل فرمایند.

محل تحویل اسناد مناقصه: اصفهان ـ کیلومتر ۵ جاده تهران ـ نبش خیابان ۱۸ ـ معاونت بازرگانی – واحد خرید و پشتیبانی
تلفن: ۳۸۹۸-۰۳۱ داخلی های: ۲۴۷ و ۳۵۱
Email: Pegah.esfahan@yahoo.com
معاونت بازرگانی شرکت شیر پاستوریزه پگاه اصفهان